**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه چهل و سوم\_15 دی 1397**

در جلسه گذشته تبیینی از آیه شریفه نفر داشتیم، که نتیجه آن این شد که این آیه کریمه دلالت بر حجیت خبر واحد و لو وثوق حاصل نشود ندارد، حال در همین زمینه لازم دیدم فرمایش آقای سیستانی را هم توضیح بدهم، چون مشتمل بر چند نکته کلیدی است که در جاهای دیگر هم تاثیر دارد، ایشان هم به دنبال این است که بفرماید اگر غمض عین از همه اشکالات کنیم، آیه دلالت بر خبر ثقه بما هو خبر ثقه نمی کند، نهایتاً اعتبار خبری را می رساند که مع التبین و المقایسه باشد، از اینجا شروع میکنم که سوال مطرح می شود، اگر آیه اساسا خبر واحد را بگیرد، اگر آیه دلالت بر وجود حذر داشته باشد، بر فرض قبول همه این ها سوال این است که حذر که واجب است مع التبین حذر واجب است، مع المقایسة حذر واجب است؟ مقایسه همانی بود که گاهی گفتیم به ان قیاس می گویند و منظور سنجس روایت با کلیات سنت و قرآن. به عبارت اخری آیا وجوب عمل به خبر واحد مثل وجوب عمل به قول خبره است یا نه؟ شما اگر به خبره ایی مراجعه کنید و خبره را مطمئن به خبرویتش باشد، به قولش عمل می کنید و لو سر قضیه را هم نفهمید. الان عمل مقلد، از باب رجوع به خبره است حال این مقلد راز قول مجتهد را نداند کما اینکه اکثرا نمی دانند ولی باید عمل کند آیا خبر واحد هم این طور است یا عمل به خبر واحد تعبدی مثل قول خبره نیست باید بروید جستوجو قیاس و تعبد کنید. آیا از این آیه می­شود استفاده کرد که مطلقا خبر الواحد حجة چه وثوق پیدا بشود، چه وثوق پیدا نشود یا نه این استفاده نمی شود؟

ایشان چند بیان دارد. بیان اولش برای این که ثابت کند با غمض عین از همه اشکالات آیه دلالت بر حجیت خبر ثقه مطلقا نمی کند، اگر هم دلالت داشته باشد فی الجمله است نه مطلقا از این جا شروع می شود که این آیه امضاء سیره و بناء عقلا است، نه این که بخواهد یک مطلبی را تاسیسا بیان کند می خواهد بگوید مردم همان طور که در زندگی خودتان به خبر واحد عمل می کنید، در کتاب قانون من هم در فهم قانون من هم به خبر واحد عمل کنید، امضاء شیره عقلا است، خب حال که امضاء شد باید دید عقلا چگونه به خبر واحد عمل می کنند، عقلا ظروف را ملاحظه می کنید، ظرف مکان و ظرف زمان صدور خبر، شرائط را ملاحظه می کنند، اهمیت دار بود نه خبر برای آن ها مهم است، گاهی یک خبر معمولی است و گاهی یک خبر اساسی است، بین این ها فرق می گذارند، خصوصیات مخبر عنه برای عقلاء مهم است، گاهی اینها باعث می شود که یک خبری را که ولو مخبر عادل است اما درش تامل کنند، این است بناء عقلا و آیه کریمه هم بنا شد امضاء همین بنا عقل اباشد.

فالاطلاق الموجود فی کلام المشرع و الحال انّ الکلام ناظر الی الامضاء لا یمکن ان یکون اوسع مما بنا علیه العقلاء. اطلاقات بر دو قسم است، اطلاق در ادله تاسیسیه ، اطلاق در ادله امضائیه.

ادله لفظیه شمائید و لفظ که اطلاق بگیرید. اما این جایی است که اطلاق لفظی در ادله تاسیسیه باشد اما اگر دلیل دلیل امضاء بوده است باید ان چیزی که امضاء شده است را نگاه کنید که چقدر حد و مرز دارد. حد و مرز اطلاق لفظی را در دلیل امضائی، حد و رمز آن امضاء شده مشخص می کند. هر مقدار او برش داشت این اطلاق هم می آید جلو، نمی شود دایره عمل عقلاء ضیغ باشد و امضاء اوسع از آن باشد مگر تصریح کند که در این صورت حرفی نیست. شارع به عنوان رئیس العقلا بگوید درست است که مردم دایره را ضیق قرار داده اند ولی من توسعه اش می دهم فقط باید تصریح بکند اما اگر حرفی نزد باید به همان مقدار عمل عقلا اکتفا بکنیم.

این آیه بنا شد سیره عقلا را در خبر واحد امضاء کند اگر در خود آیه آمده بود و دایره را گسترش داده بود ما قبول می کردیم اما در خود آیه دایره را گسترش نداده فقط نهایتا همان عمل عقلا را امضاء می کند پس نگاهت با لفظ آیه نباشد بلکه به عمل عقلا باشد.

حال که رفتیم سراغ عمل عقلا، عقلا بین خبر تا خبر فرق می گذارند عقلا بین خبر با واسطه و بی واسطه فرق می گذارند عقلا شرائط زمانی و مکانی را در خبر موثر می دانند عقلا احتمال غفلت و اشتباه را در مخبر بهش توجه دارند لذا با توجه به همین ها باید خبر ثقه را بررسی کرد.

این بیان آقای سیستانی یکی دو سال قبل مطرح شد که امضاء نمی شود اوسع از اصل باشد. ما در بحث نسخ گفتیم دو جور نسخ داریم نسخ داریم نسخ تاسیسات و نسخ امضائیات. اما گفتیم یک نسخ هم داریم در امضائیات. مثال زدیم به عبد و امه گرفتن، گفتم این چیزی که در شرع هست این امضای سیره عقلا است در آ« زمان که عبد و امه را می گرفتند و شارع هم با تبصره هایی قبول کرد وامضاء کرد دایره این امضاء از حیث زمان به دست عقل ااست تا وقتی عقلائی چنین شیوه دارند شارع هم ان را امضاء کرده است اما اگر روزی مثل الان گفتند ما این شیوه را برای نگه داری عقلا نداریم وشیوه های دیگری را قبول داریم این جا دیگر تعبد و تاسیس نیست. دایره امضاء هم از جهت خصوصیت مثل اینجا و هم جهت محدوده امضا، محدود است به سیره عقلا که تا چه زمانی به ان عمل می کنند.

بیان دوم ایشان اینکه اگر ما از این مطلب تنزل کنیم نهایت قصه این است که آیه اطلاق دارد که باید خبر واحد را قبول کنیم، ما می آییم از این طرف گاهی خبر، خبر ثقه هست و وثوق نیاورده است، گاهی خبر خبر ثقه است و وثوق آورده است، گاهی خبر خبر ثقه نیست ولی وثوق آمده است ، گاهی نه خبر خبر ثقه است و نه وثوق آمده است این مورد چهارم را همه از بحث خارج می کنند. یک مورد را قطعا عقلا به ان عمل می کند آن جا که هم خبر ثقه است و هم وثوق به صدور است . انما الکلام در دو جاست یکی آن جا که خبر ثقه هست و وثوق به صدور نیست و برعکس آن.

حال لاشک ان الاخذ مقیدا باحد القیدین.

شکی نیست که یا باید معیار را خبر ثقه قرار بدهید و لو وثوق به ثقه نباشد یا باید معیار را وثوق به صدور قرار بدهید هر چند راوی ثقه نباشد.. حال ان جایی که این ها از هم جد اشده اند ما علم اجمالی داریم که یکی از این دو از اطلاق آیه خارج شده است چون ایه هر چه که باشد یا باید مقدی باشد به ثقه بودن راوی یا باید مقید باشد به موثوق الصدور بودن روایت علی سبیل المنع الخلو نمی شود بگوییم ان جایی که نه رایو ثقه است و نه مووثق به صدور حجت است باید یکی از این ها باشد حال یا بگویید کدام است و یا اگر نگویید دیگر تمسک به اطلاق آیه ممکن نیست.

بیان سوم در مورد کلمه طائفه است. کسی بگوید آیه گفته است طائفه بروند تفقه کنند و طائفه خبر واحد نیست، ایشان اول میگوید من از این اشکال صرف نظر میکنم و لی بعد می گوید فی التعبیر بالطائفه عنایة علی ان کلام بعضهم یوید کلام البعض. حال اگر یک کسی از مدینه امد گفت پیامبر این را گفت ودیگر مخالف این را گفت و هیچ کدام هم دروغ گو نیست شما احتمال اشتباه می دهید. و ان جایی را قبول می کنید که حرف های این آقایان تنافی نداشته باشد .

و اذا کانت هناک ریبة و شک اگر یک خبری برایت نقل شد که ریب و شک داشتید که آیا این خبر درست است پیامبر یا درست نیست می گویید چند نفر بودید در پیش پیامبر؟ 5 نفر؟ از آن چهار نفر هم میپرسید تا برایتان اطمینان استفاده بشود.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.